



فهرست‌نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه : تهماسبی، ارشد، ۱۳۳۶ - .
- عنوان و نام پدیدآور : میر در سیاره‌ها: بررسی گوشه‌های سیار، فواصل ممنوع و بسترهای نو / نوشته ارشد تهماسبی.
- مشخصات نشر : تهران: ماهور، ۱۳۹۸.
- چاپ دوم : ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۲۹۲ ص.: مصور، جدول (بخشی رنگی).
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۷۲-۸۰-۷
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
- یادداشت : کتاب‌نامه.
- موضوع : موسیقی ایرانی -- دستگاه‌ها -- ردیف
- موضوع : Music, Iranian -- Dastgah -- Radif
- موضوع : موسیقی ایرانی -- دستگاه‌ها -- ردیف -- پارتیسیون
- موضوع : Music, Iranian -- Dastgah -- Radif -- Scores and parts
- موضوع : آواز ایرانی -- دستگاه‌ها -- ردیف
- موضوع : Singing, Iranian -- Dastgah -- Radif
- موضوع : موسیقی ایرانی -- گام‌ها
- موضوع : Music, Iranian -- Scales
- رده‌بندی کنگره : ML ۳۴۴
- رده‌بندی دیویی : ۷۸۹/۶۲
- شماره‌ی کتابشناسی ملی : ۵۹۲۱۵۷۳
-

سیر در سیاره‌ها

بررسی گوشه‌های سیار، فواصل ممنوع و بسترهای نو

نوشته

ارشاد تهماسبی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور
تهران ۱۳۹۸



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماری ۴۲، طبقه‌ی همکف

کدپستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰ فکس: ۷۷۵۰۶۵۵۳

www.mahoor.com info@mahoor.com

سیر در سیاره‌ها

بررسی گوشه‌های سیار، فواصل ممنوع و بسترهای نو

نوشته

ارشاد تهماسبی

تصویرسازی جلد: ملیحه محسنی

صفحه‌آرایی: بويا دارابی

سه‌تار و آواز: افشین علوی

چاپ اول: ۱۳۹۸

تعداد: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی: باران

چاپ و صحافی: پژمان

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۷-۸۰-۸۷۷۲-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-8772-80-7

فهرست

بخش اول

۹	سیر در سیاره‌ها
۱۱	اختصارها
۱۳	مقدمه
۱۷	موسیقی پیشااسلامی
۲۰	موسیقی مقامی
۲۱	دوازده مقام
۲۴	تجمع فواصل جزء
۲۷	بیست و چهار شعبه
۳۰	مقایسه
۳۱	نمودار فواصل
۳۶	چهل و هشت گوشه
۴۰	موسیقی دستگاهی
۴۵	ردیف میرزا عبدالله
۴۷	تئوری موسیقی ایرانی
۵۰	دستگاه و گوشه
۵۴	مقام (گوشه اصلی)
۵۸	نکته مهم
۶۰	درآمد
۶۲	نکته مهم
۶۳	آواز
۶۵	نغمه (در مفهوم دستگاه فرعی)
۶۷	ادامه دستگاه
۶۸	فروود
۶۹	رنگ
۷۱	ردیف
۷۳	روایت

۷۵	ردیف سازی
۷۶	ردیف آوازی
۷۷	مکتب‌های موسیقی
۸۰	کار عمل
۸۱	ردیف‌نوازی و بداهه‌نوازی
۸۳	گوشه‌ها
۸۶	مقام‌های زاینده و زاییده
۸۹	مقام‌های دوگانه
۹۱	مقام‌های دوزمینه‌ای
۹۲	مقام‌های خویشاوند
۹۴	بیات‌ها
۹۶	گوشه‌های سیار
۹۷	نکته مهم
۹۹	نغمه (در مفهوم گوشه سیار)
۱۰۲	مفاهیم چندگانه نغمه
۱۰۴	مرکب‌نوازی
۱۰۶	تداخل مقام‌ها
۱۰۹	ناهمخوانی عنوان‌ها و مطالب در گوشه‌های ردیف
۱۱۱	سیاره‌های گوشه‌گیر
۱۱۳	سیاره‌های زاینده و زاییده
۱۱۴	بررسی گوشه‌های سیار در سه زمینه
۱۱۶	روش نت‌نگاری
۱۱۸	آذربایجانی، راج روح
۱۲۲	بال کبوتر
۱۲۴	بسته‌نگار
۱۲۸	بغدادی، آبول، دست نگار
۱۳۱	پر پرستو
۱۳۳	پروانه
۱۳۵	پنجه‌شعری
۱۳۸	پنجه‌گردی
۱۴۰	پنجه‌مویه

۱۴۲	پیش زنگولہ
۱۴۴	جامہ دران
۱۴۸	جُغَتائی
۱۵۰	جوادخانی
۱۵۴	چہار پارہ یا چہارباغ، مہربانی، نصیرخانی
۱۵۸	حاجی حسنی
۱۶۲	حُزَّان
۱۶۴	حزین
۱۶۶	خسروانی
۱۶۸	خوارزمی، مجلس افروز
۱۷۲	دوبیتی
۱۷۴	دوتائیکی یا تَکِ مَقْدَم
۱۷۸	راز و نیاز، رامکلی
۱۸۲	رَجَز یا اُرجوزہ
۱۸۶	زنگ شتر یا کاروانی
۱۹۰	زنگولہ، فرنگ
۱۹۳	ساربانگ
۱۹۵	ساقی نامہ، صوفی نامہ، گُشتہ مُردہ
۱۹۹	سُرور المُلکی
۲۰۱	سوز و گداز یا شیرین و فرہاد
۲۰۵	طرز
۲۰۷	فردوس
۲۰۹	فرود آور
۲۱۱	کرشمہ یا ہزار مرتبہ
۲۱۵	گرایلی
۲۱۸	لیلی و مجنون
۲۲۲	مثنوی
۲۲۶	محمد صادق خانی یا آقا محمد صادق خانی
۲۲۸	محیر، بحرِ نور، مخبر
۲۳۰	مورہ
۲۳۲	مہدی ضربابی

۲۳۴	 میرزایی
۲۳۶	 نغمه سرخوشان
۲۳۸	 نغمه قلعن (نغمه ارمی)
۲۴۰	 نغمه مستفعین (نغمه افسانه)
۲۴۲	 نغمه مفاعیلین (نغمه عشق)
۲۴۴	 نغمه مقلوبی
۲۴۷	 نیشابورک

بخش دوم

۲۴۹	 فواصل ممنوع و بسترهای نو
۲۵۱	 مقدمه
۲۵۲	 بسترهای صوتی موسیقی مقامی
۲۵۳	 بسترهای صوتی موسیقی دستگاهی
۲۵۷	 چگونگی ایجاد دور یا بستر صوتی کامل
۲۶۱	 نام‌گذاری اجناس دانگ
۲۶۱	 جنس اول: شور
۲۶۲	 جنس دوم: اصفهان
۲۶۲	 جنس سوم: تُرک
۲۶۲	 جنس چهارم: ماهور
۲۶۲	 جنس پنجم: نوا
۲۶۳	 جنس ششم: دشتی
۲۶۳	 جنس هفتم: چهارگاه
۲۶۴	 ایجاد دور
۲۶۶	 نمایش ۹۸ دور
۲۷۲	 نمودار دورهای پنجاه و پنج گانه در دو طبقه
۲۷۴	 بحرهای شانزده گانه
۲۷۵	 نمودار بحرهای شانزده گانه
۲۸۰	 نام‌گذاری دورها
۲۸۷	 بررسی همه اسامی ممکن در دورهای نود و هشت گانه
۲۹۰	 کتاب‌نامه

بخش اول

سیر در سیاره‌ها

اختصارها

ردیف آقاحسین قلی:

ردیف سازیِ موسیقی سنتی ایران، رضا وُهدانی، تهران: ایران جام، ۱۳۷۶.

ردیف پایور:

ردیف چپ‌کوک برای سنتور، فرامرز پایور، ۱۳۵۹.

ردیف دوامی:

ردیف آوازی و تصنیف‌های قدیمی، به روایت استاد عبدالله دوامی، گردآورنده فرامرز پایور، تهران: ماهور، ۱۳۷۵.

ردیف صبا:

دوره‌های سنتور، ردیف استاد ابوالحسن صبا، به کوشش و ویرایش فرامرز پایور، تهران: ماهور، ۱۳۷۸.

ردیف عسکری:

ردیف آوازیِ ماهور، به روایت حاتم عسکری فراهانی، همراه با سه‌تار داریوش صفوت (مجموعه صوتی و کتاب)، تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۷۷.

ردیف عسکری:

ردیف جامع آوازیِ موسیقی سنتی ایران، به روایت حاتم عسکری فراهانی، دستگاه نوا (مجموعه صوتی و کتاب)، تهران: سروش، ۱۳۷۱.

ردیف کاظمی:

فهرست زیراکس‌شده گوشه‌های ردیف عباس کاظمی، به وسیله حسین سرکوب (شاگرد عباس کاظمی).

ردیف کریمی:

ردیف آوازی موسیقی سنتی ایران، گردآورنده محمود کریمی (مجموعه صوتی و کتاب)، آوانویسی و تجزیه و تحلیل محمدتقی مسعودیه، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶).

ردیف کسایی:

تاریخ‌شناسی موسیقی و ردیف موسیقی ایران، محمدجواد کسایی، اصفهان: آوای نوین اصفهان، ۱۳۸۷.

ردیف معروفی:

ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، گردآورنده موسی معروفی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر، چاپ دوم، ۱۳۵۲ [ماه‌ور، ۱۳۸۹].

ردیف مفخم‌پایان:

دستگاه‌های موسیقی سنتی ایران، گردآورنده موسی معروفی، ترانه‌ش (انتقال) و نگارش لطف‌الله مفخم‌پایان، تهران: انستیتوی تحقیقات موسیقی‌شناسی ایران، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶).

ردیف منصوری:

ردیف سازی و آوازی مکتب اصفهان، (مجموعه صوتی و کتاب)، گردآوری و اجرا حسن منصوری، اصفهان: حوزه هنری استان اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۹.

ردیف میرزا عبدالله:

ردیف سازی موسیقی سنتی ایران، به روایت نورعلی برومند، (مجموعه صوتی و کتاب)، مقدمه و نت‌نویسی ژان دورینگ، تهران: سروش، ۱۳۷۰ [ماه‌ور، ۱۳۸۵].

مقدمه

زمانی که نوجوان بودم دلبستگی‌ام به موسیقی از طریق شنیدن برنامه‌های رادیویی «گل‌های رنگارنگ»، «گل‌های تازه»، «گل‌های جاویدان» و «برگ سبز» شکل گرفت. پس از چندی دوستدارِ تار شدم و به نواختن این ساز پرداختم و همین باعث انگیزه مضاعفی شد که به صورت جدی‌تری به آن برنامه‌ها گوش بدهم. سعی می‌کردم فراز و فرودهای دستگاهی را که گوینده رادیو اعلام کرده بود و اجرا می‌شد تشخیص دهم و دریابم که در روند اجرا چه اتفاقی در حال روی دادن است. مدتی بعد با ممارستی پی‌گیر، توانستم چهارگاه را مثلاً از ماهور تشخیص دهم و نیز بر اساس شنیده‌هایم از این و آن دانستم که در دستگاه چهارگاه، زابلی هست و مخالفی، و در دستگاه ماهور، دلکشی هست و شکسته‌ای. فقط همین، زیرا در اعلام برنامه‌های موسیقی رادیو رسم نبود گویندگان وارد جزئیات شوند و فقط به ذکر نام دستگاه‌ها و آوازها بسنده می‌کردند.

بنابراین برای هنرجویی با موقعیت من، عنوان‌های موسیقی ایرانی فقط در نام‌هایی چون چهارگاه و شور و دشتی و اصفهان و امثال اینها، و دستِ بالا در نام گوشه‌های مشهوری چون بیداد و دلکش و مخالف خلاصه می‌شد. به این ترتیب پس از دو سال همه سر‌دستگاه‌ها و نیز یکی‌دو گوشه مهم هر دستگاه و آواز را تشخیص می‌دادم. این زمان در همدان بودم و شاگرد خانه فرهنگ که استاد تارش، پس از زنده‌یاد کاظم لباسی، سیوش دیهیمی بود؛ آموزگاری بسیار مهربان و دوست‌داشتنی.

در این مقطع در کلاس او مشغول نواختن کتاب دوم هنرستان بودم. روزی استادم وارد کلاس شد و کتابی قطور را روی صندلی مجاور نشیمن‌گاهِ همیشگی‌اش گذاشت و مشغول کار با من شد. کمی بعد، لابد برای نوشیدن چای و کشیدن سیگاری، بیرون رفت و من بی‌اجازه او! کتاب را برداشتم و مشغول بررسی آن شدم. عنوانش این بود: «ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی، گردآورنده موسی معروفی».

عجب! اين نام‌ها ديگر کدام‌اند؟ بسته‌نگار، حزين، محير، آذربايجاني، مُعريد و
 يك ماه بعد تهران بودم و پُرس پُرسان در خيابان پهلوي آن زمان (ولي عصر كنوني)،
 كمی بالاتر از ميدان وليعهد، با شوقي فراوان پي فروشگاه «گل بهار» می گشتم. علي رغم
 هيچاني كه داشتم آسوده خاطر هم بودم زيرا می دانستم با پولی كه همراه داشتم از پس
 خريد آن كتاب نفيس صدوپنجاه تومانی كه شنیده بودم فقط در گل بهار يافت می شود،
 برمی آيم زيرا با مبلغ دويست و بيست تومانی كه از فروش آلبوم‌های تمرير حاصل شده
 بود نه تنها می توانستم هزينه كتاب بلکه علاوه بر قيمت بليط رفت و برگشت اتوبوس، هزينه
 يکی دو شب اقامت در مسافرخانه‌ای واقع در خيابان ناصر خسرو را نيز تأمين كنم. پس از
 خريد آن كتاب به همدان باز گشتم و در روزهای بعد مشغول كنكاشی سخت در آن شدم
 كه البته حاصل چندانى برايم نداشت.

سال بعد، در مهرماه ۱۳۵۴ دوباره به تهران آمدم تا علاوه بر تحصيل در مقطع
 دوازدهم دبیرستان به كلاس تار هم بروم. يکی دو ماهی سپری شد ولی در اين مدت
 فقط توانسته بودم دوسه جلسه از محمدرضا لطفی درس بگيرم زيرا او سخت مشغول
 فعاليت‌های اجرايی اش بود و با مشغله فراوانی كه داشت فرصت چندانى برايش باقی
 نمی ماند تا كلاس مستمر و منظمی داشته باشد. بنابر اين از ابتدای آذر همان سال به كلاس
 هوشنگ ظريف رفتم و طی دوسه ماه مشغول نواختن ردیف از روی همان كتابی شدم
 كه پُر از نام‌های هيچان انگيز بود.

در آن چند ماه توانستم با تمرين‌هایی مستمر و طولانی چند دستگاه و آواز را بنوازم
 و حفظ كنم. با وجود اين هيچ درك و شناخت و تفسيرى از مفاهيم و مطالب‌شان نداشتم.
 خوب به ياد دارم هنگامی كه استادم دريافت كه مطالب گوشه‌ها را به سرعت حفظ می كنم
 از روی تذكر و نصيحت گفت «اينها را كه حفظ کرده‌ای فراموش نكن. كم هستند کسانی
 كه ردیف را از بر دارند».

در سال‌های پس از انقلاب با هجوم جوانان علاقه‌مند به كلاس‌های آموزش سازهای
 ایرانی — كه علل و عوامل متفاوتی داشت و شرحش در اين مجال نمی گنجد — رفته رفته
 آن عده معدود، بی شمار شدند و ردیف موسيقي برخلاف ساليان قبل، تبديل شد به كارگانی
 لازم‌الاجرا در بيشتر كلاس‌ها و به خصوص در كلاس‌هایی كه در «كانون فرهنگي» — هنری
 چاووش و «مرکز حفظ و اشاعه موسيقي» دایر می شد. من هم كه دستگاه شور و آواز
 ابوعطای ردیف ميرزا عبدالله را در دانشكده هنرهای زیبا، طی دو ترم در كلاس حسين
 عليزاده، آموخته بودم پس از انقلاب به اصطلاح فرهنگی و بسته شدن دانشگاه‌ها راهی
 شهرستان شدم و بقيه دستگاه‌ها و آوازهای اين ردیف را از روی نوار اجرای نورعلی

برومند و بدون اینکه نئی در اختیار داشته باشم، آموختم و حفظ کردم و پس از چندی دوباره به تهران برگشتم و از سال ۱۳۶۲ در کانون چاووش به تدریس آن مشغول شدم. در سال‌های بعد به این نتیجه رسیدم که آموزش بدون تحلیل و بررسی، همان طور که در بیشتر کلاس‌ها و نزد بیشتر اساتید مرسوم بود و هست، کارایی چندانی در شناساندن موسیقی ایرانی به هنرجویان ندارد. چنان‌که شاگردانی می‌آیند و می‌روند و ردیفی را حفظ می‌کنند و پس از چندی، بی‌اینکه از جزئیات و ریزه‌کاری‌های آن شناختی داشته باشند، آن را از یاد می‌برند.

از سال ۱۳۷۰ سعی کردم آرام‌آرام از فعالیت‌های اجرایی دور شوم و به دغدغه اصلی‌ام که همانا تحقیق در این زمینه بود بپردازم. می‌خواستم در مرحله نخست دانش شخصی‌ام را در این راستا ارتقا دهم تا ببینم بعدها به چه نتیجه‌ای در آموزش ردیف به شاگردانم می‌رسد. این کار میسر نمی‌شد مگر با تحقیقی همه‌جانبه در همه ردیف‌ها و اجراها، کتاب‌ها و رساله‌های قدیم و جدید موسیقی، و علاوه بر اینها دستیابی به تجربه‌هایی در زمینه اجرای ردیف‌های سازی و آوازی. پس از چند سال حاصل کار در یکی از ابعاد مذکور، شد تألیف فرهنگ نواهای ایران با عنوان کتاب گوشه، و تفسیر سه دستگاه موسیقی در رادیو فرهنگ^۱ و نیز تدارک یک مجموعه صوتی پنجاه‌ساعته با عنوان تفسیر دستگاه‌های موسیقی^۲. طی همین سال‌ها در بخش اجرایی هم اقدام به ضبط و تولید یک نمونه از ردیف‌های آوازی و یک نمونه از ردیف‌های سازی کردم و در طی این مراحل آموزش ردیف را در کلاسم، با در نظر گرفتن سطوح متفاوت شاگردان، با تفسیر و تشریح همراه کردم. پس از این دوره که بهتر است آن را دوران تجربه‌اندوزی بنامم، از سال ۱۳۹۰ اقدام به برگزاری کارگاه‌هایی با موضوع شناخت مبانی ردیف در شهرهای بسیاری و سپس در تهران^۳ کردم. با برگزاری این کارگاه‌ها و مواجهه‌شدن با مدرسان و شاگردان گوناگون به این دریافت رسیدم که میزان دانش و شناخت بسیاری‌شان، حتی آنهایی که پیشرفته و ردیف‌نواخته و تحصیل‌کرده دانشکده‌های موسیقی بودند، از کلیات و جزئیات موسیقی ردیف بسیار اندک و در اغلب موارد نادرست است. تلقی و تفسیر همگی آنها از مطالب پیش‌پاافتاده‌ای مثل تفاوت دستگاه و مقام و گوشه دور از واقعیت ذاتی و نهفته

۱. این برنامه‌ها شامل ۵۷ قسمت و شرح دستگاه‌های شور و ماهور و چهارگاه بود. اولین قسمت آن روز پنجشنبه پنجم مردادماه ۱۳۸۵ و آخرین قسمت آن روز دوشنبه دوم دی‌ماه ۱۳۸۶ از رادیو پخش شد. محتوای این برنامه‌ها طوری تنظیم شده بود که بتواند برای مخاطبان عام هم سودمند باشد.

۲. انتشار آن چند سالی‌ست به تعویق افتاده ولی قرار است به‌زودی منتشر شود.

۳. از جمله در شهرهای آباد، مشهد، لاهیجان، شیراز، ساری، بهبهان، خرم‌آباد، قزوین، کرج، کرمان، زنجان، الیگودرز و میانه.

در سیستم دستگاهی بود. می‌دیدم که شرکت‌کنندگان در کارگاه‌ها هنگامی که به شرح و تفسیرهایم گوش می‌دادند در مراحل نخست به شکلی بهت‌زده و تا حدودی با شک و تردید نگاهم می‌کنند ولی پس از سپری‌شدن یکی‌دو ساعت و درک مطالب — که به‌خوبی و بر اساس تجربه دریافته بودم چگونه به این مرحله برسانم‌شان — باور جدیدی پیدا می‌کردند و شغف‌زده می‌شدند زیرا می‌دیدند با طبقه‌بندی‌ها و تفسیرهایی مواجه‌اند که بنایش نه بر شاخ‌وبرگ دادن و دشوار کردن بلکه بر زدودن و پیراستن و آسان کردن است. خوب به یاد دارم یکی‌شان که مدرس هم بود، در یکی از کارگاه‌های تهران، با حالت عجیبی، در مقطعی از صحبت‌هایم می‌گفت «که این‌طور، عجب!». چند بار که چنین مضمونی را تکرار کرد به او گفتم «تو بدان کس می‌مانی که شخصی با بیان مطالبی باعث شود فکر کنی هرآنچه که رشته بودی پنبه شده و درحقیقت تو را به آیینی که سال‌ها بدان معتقد بودی طوری بدبین کند که بخواهی از آن دست برداری». بی‌هیچ تأملی گفت «آری». برای شناختی درست و آسان از ردیف، ناگزیر از شناسایی مطالب و تفکیک اصل از فرع هستیم. باید بدانیم چه قسمت‌هایی مهم‌اند و کدام‌ها نیستند؟ باید بدانیم آیا می‌توانیم بی‌اینکه صدمه‌ای به اصل موسیقی و فضیلت واقعی موسیقی ردیفی وارد کنیم اجزایی از آن را حذف کنیم؟ باید بدانیم آیا می‌توانیم تعداد دستگاه‌ها و آوازها و گوشه‌ها را افزایش دهیم؟ و ...

درحقیقت موسیقی ردیف ما، به زبان من، از تجمع ستاره‌ها و سیاره‌هایی شکل گرفته است و دست بر قضا همین سیاره‌ها یا سیاره‌ها^۱ هستند که بیشترین عنوان‌های ردیف را به خود اختصاص داده‌اند. پس بهتر است، به تمثیل، امثال شور و ماهور و سه‌گاه و چهارگاه و دشتی و بیداد و عراق و ... را که تعدادشان بسیار کمتر از سیاره‌هاست و اساس موسیقی‌مان بر وجود آنها استوار است، ستاره بدانیم و بنامیم.

شناخت و بررسی ستاره‌های ردیف آسان‌تر از سیاره‌هاست زیرا اینها کلیات‌اند و کمتر کسی در شناسایی‌شان دچار مشکل است. مگر تعدادشان چند تااست؟ پانزده یا حداکثر بیست تا. بنابراین پرداختن به ستاره‌ها را به مجال دیگری موکول کرده و تمرکز اصلی را در اینجا به بررسی تعداد و چگونگی و ماهیت سیاره‌ها معطوف می‌کنیم. البته در این راستا ناگزیر از بررسی ماهیت کلی ستاره‌ها هم هستیم و در روند این نوشتار، به تناسب موضوع، به بررسی بعضی اصطلاح‌ها و موشکافی در بعضی مفاهیم نیز خواهیم پرداخت.

۱. هرمز فرهت چنین گوشه‌هایی را «سرگردان» نامیده است (دستگاه در موسیقی ایرانی: ۱۷۳). بااینکه نام بامسمایی‌ست ولی کمی بار منفی دارد.